

قانون مجازات عمومی

شده است در مدت ۵ سال از تاریخ قطعی شدن حکم محکوم با تکاب جنایت یا جنحه جدیدی که موجب حبس باشد، در مدت ۵ سال مذکور مرتکب جنحه یا جنایت شده و باین واسطه بحکم قطعی محکوم گردد حکم اول نیز در باره او اجرا خواهد گردید.

حال به بینیم هر نوع محکومیتی قابل تعلیق است مثلاً اگر مجازات شخصی بغرامت یا جریمه معین شده آیا میتوان آنرا نیز مشمول ماده ۷ دانست؟ اگر چه بعضی از حقوقیون جواب مثبت باین سؤال میدهند لکن در نظر اکثریت چون آن منطقی که برای تعلیق مجازات بدنی و مجازاتهای سالب آزادی موجود است، در برهه غرامت و جریمه نمیتوان قائل شد این دو قسمت را غیر قابل تعلیق میدانند از مراجعه همین قانون هم که در ماده ۷ میگوید شخصیکه بموجب این قانون بواسطه ارتکاب جنحه محکوم « بحبس » شده باشد - کاملاً پیروی از عقیده دوم مشهود میشود.

بهر حال چنانچه از مواد ۷ و ۸ استنباط میشود اگر شخص محکوم در ظرف مدت ۵ سال مرتکب هیچگونه جنحه یا جنایتی نشد محکومیت اولی بکلی محو و مثل آنستکه شخص اصلاً محکوم نشده باشد لکن نباید فراموش کرد که بی اثر بودن و محو نتایج و آثار محکومیت مزبور فقط از نظر جزائی است بنابراین جنبه حقوقی محکومیت مزبور کاملاً محفوظ و مثلاً حقوق و اختیاراتی که از آن در باره اشخاص ثالث یا آسیب دیده از جرم ایجاد شده باشد بجای خود باقی و دلیل آنها خیلی روشن است چه تعلیق مجازات و محو آثار آن بهیچ وجه تغییری در اصل قضیه که وقوع

بهین جهت خلی نادر است که مجرمی بطور عادی و بدون آرام قانونی یا کیفیات مشدده خاص مجازاتی که استحقاق واقعی او است محکوم شود در اینصورت تعلیق مجازات کار مشکلی نیست و حال آنکه عدم تعلیق کلیه آثار محکومیت درباره این قبیل مجرمین خطرناک علاوه از آنکه خطری متوجه کسی نمیسازد و جبران ناپذیر هم نیست دارای این مزیت است که کسیکه مرتکب جرمی شده لافز تا این درجه مجازات را داشته باشد و از دسترسی به وسایلی که موجب تسهیل در تجدید عملش شود محروم گردد. شاید برای توجه بمعایب فوق است که بیشتر قوانین جزائی یعنی آنها که کلیه آثار محکومیت را هم تعلیق می کنند جرائم قابل تعلیق را بسیار محدود کرده اند.

در نتایج تعلیق

همانطور که در آغاز مطلب گفته شد تعلیق از مواهب مجازات است و بمحض اینکه حکم مراحل قانونی خود را طی نمود دیگر نمیتوان شخص را بعنوان مجرمی که مجازاتش معلق شده در ظرف مدت آزمایش (که تقریباً در همه جا ۵ سال است) برای اجرای آن تعقیب نمود و این قسمت در تمام قوانین جزائی مورد اتفاق است قانون مجازات عمومی ایران نیز مفید همین معنی و ماده ۷ گوید:

ماده ۷ - شخصیکه بموجب این قانون بواسطه ارتکاب جنحه محکوم بحبس شده است در صورتیکه سابقاً بواسطه ارتکاب جنحه یا جنایتی محکوم نشده باشد (محکمه) دادگاه میتواند نظر باخلاق و احوال مجرم و دلایل موجه اجرای مجازات را نسبت باو معلق دارد.

ماده ۹ - هرگاه محکوم علیه که اجرای حکم او معلق

اینک اگر در ظرف مدت آزمایش شخصی مرتکب جرم دیگری شده؛ در اینصورت نتایج حقوقی ذیل از عمل تزه او ظاهر میشود:

۱- مجازات جرم اولی درباره اولایم الاجراست
۲- محکومیت سابق در تکرار جرم او مؤثر و حساب میشود.

۳- دیگر بهیچ وجه چنین شخص از تعلیق مجازات بهره مند نخواهد شد مگر آنکه عفو عمومی یا عاده حبسیت و یا مرور زمان شامل عمل او گردد.

از جمله نتایج دیگر تعلیق آنستکه مجازات شخص مادام که در حال تعلیق است قابل مرور زمان نخواهد بود - زیرا چنانچه دیدیم مرور زمان فقط در مجازاتهایی قابل جریان است که مانع اجرائی نداشته باشد پس در مجازات تعلیقی مرور زمان فقط از روز قابل اجرا شدن آن شروع می شود
در شرایط تعلیق

قانون مجازات عمومی ایران برای بهره مندی از تعلیق دو شرط را لازم دانسته:

۱- نداشتن محکومیت سابقه (در جنحه و جنایات) مقصود از محکومیت سابقه هم در جرائم عادی است نه در جرائم نظامی و سیاسی زیرا جرائم مزبور دارای جنبه اختصاصی بوده و مادام که قانون آثار جرم عادی را صریحاً با آنها نسبت ندهد نمیتواند اثرات مخصوصه نسبت بان داشته باشد همانطور که در مورد تکرار جرم و سایر مواردی که در عمل شخص جرم گذشته اش مؤثر است جرائم نظامی و سیاسی حساب نمیشوند پس جرائم سیاسی و نظامی مانع تعلیق نیستند همچنین از آنجا که قانون موانع تعلیق را محکومیت در جنحه و جنایت (۱) دانسته سابقه محکومیت خلافی نیز مانع تعلیق نخواهد بود.

(۱) درباره قوانین بیگانه و خاصه آنها که اثرات محکومیت (غیر از مجازات) را قابل تعلیق نمیدانند نداشتن سابقه محکومیت را فقط در مورد حبس قید میکنند پس اگر کسی محکوم بجزای نقدی و غرامت یا جریمه شد این محکومیت مانع از تعلیق جرم تازه نمیشود.

جرم و انتساب آن به مجرم است نخواهد داد بهمین جهت ضرر و زبانی که متوجه اشخاص گردیده و ناشی از وقوع عمل است بجای خود ثابت و برقرار و بطور کلی آثار تعلیق منحصر است به مجازات و آثار مترتبه و ناشیه از آن در سابقه و سجل جزائی شخص مرتکب.

حتی در کشورهاییکه صریحاً سایر نتایج و آثار محکومیت (غیر از مجازات) تعلیق نشده شخص محکوم از هرجهت شبیه بمجرمین و محکومین عادی است و لذا عدم اهلیت آنها در بهره مندی از حقوق اجتماعی معلق نمیشود منتها اگر در ظرف مدت آزمایش شخص محکوم مرتکب عمل تازه نگردد محکومیت سابقه با کلیه آثارش (۱) با اثر قهقرائی از بین رفته و این مسئله تقریباً بمنزله يك اعاده حبسیت با مدت کوتاه تری است در حق مجرم.

ولی در کشورهای قانون صریحاً آثار محکومیت جزائی را هم تعلیق کند در اینصورت محکومیت شخص در حقیقت فرض است و بیگانه اثرش در وقتی ظاهر میشود که جرم دیگری در ظرف مدت آزمایش مرتکب گردد در اینحال مجازات اصلی محکومیت سابق درباره اولایم الاجرا میشود بی آنکه اثر مثبتی در مجازاتهای تبعی نسبت بگذشته داشته باشد قانون مجازات عمومی ایران نیز تابع این رویه و ماده ۴۹ در اینباب صریح است: ماده ۴۹ - تعلیق مجازات موجب تعلیق «نماه آثار مترتبه» بر آن خواهد بود ولی موجب تعلیق تأدیه مخارج محاکمه و تأدیه ضرر و خسارات وارده نخواهد شد - جمله اخیر عدم تأثیر تعلیقی را از نظر حقوقی و ضرر و زیان نسبت باسیب دیده از جرم نباید می کند.

(۱) درباره کشورها حتی آثار تبعی محکومیت که از خود نتیجه مثبتی باقی گذارده باشد اثر قهقرائی نمیدهند مثلاً بموجب قانون فرانسه هر نوع محکومیت جزائی برای افسری موجب انفسال فوری او از خدمت میشود بنا بر این اگر پنجسال گذشت و حکم تعلیق قطعی و محکومیت محو شد معذالك نسبت بانفسال افسر اثر قهقرائی نخواهد داشت.